

عشق و آتش بس

نوشته‌ی محمود رضا محمدی نیا
www.ketab.ir

جلد اول



سرشناسه: محمدی نیا، محمودرضا، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور: عشق و آتش بس / نوشته‌ی محمود رضا محمدی نیا.
مشخصات نشر: تهران: مهر و دل، ۱۴۰۰ -
مشخصات ظاهری: ج. ۱۹۳ ص؛ ۵/۲۱×۱۴ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۴۱-۰۲-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان دیگر: عشق و آتش بس: داستان بلند.
عنوان دیگر: عشق و آتش بس: داستان بلند.
موضوع: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴
Persian fiction -- 20th century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۶۱

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۹۹۳۵۶

محمود رضا محمدی نیا

عشق و آتش بس

داستان بلند

جلد اول

چاپ اول

زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ جلد

طرح جلد: سیاوش برادران

صفحه آرا: محمد ابراهیم

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۴۱-۰۲-۳

ISBN: 978-622-7141-02-3

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

 @Mehr.o.del.pub

سخن نویسنده

به نام خداوند بخشنده مهربان رحمت گستر

کتابی که اکنون در دست دارید، خاطرات سربازی در دوران جنگ تحمیلی است، که سینه‌اش برای عشق گم شده‌ی دوره نوجوانی‌اش هنوز می‌تپد و خاطرات آن دختر لحظه‌لحظه با اوست. و همچنین خطراتی که از سر می‌گذراند، هر لحظه‌اش می‌تواند آخرین نگاهش به این دنیا باشد. در این داستان هیچ‌گونه اغراقی وجود ندارد و همه‌ی اتفاقات واقعی‌ست. «عشق و آتش بس» داستانی است از وقایع و خطراتی که آن سرباز با آن‌ها روبرو می‌شود؛ وقایعی که می‌تواند خاطرات و مخاطرات و عاشقانه‌های هر سرباز و رزمنده‌ای در دوران دفاع مقدس به اشکال گوناگون باشد. این اولین تجربه‌ی ادبی این جانب بعد از شعر کلاسیک و نو در زمینه‌ی داستان نویسی است. در خود می‌بینم و آرزو می‌کنم که قلم و حافظه‌ام یاری کند که جلد دوم این کتاب را نیز به رشته‌ی تحریر در آورم. امید است مورد علاقه‌مندان و

خوانندگان قرار بگیرد. این کتاب را تقدیم می‌کنم به سربازانی که در همه‌ی اوقات؛ در زمانی که ما با آرامش سر بر بالش نرم خود گذاشته‌ایم، چه در زمان جنگ و چه در همین هنگام در سر پست‌های نگهبانی پر خطر، در سوز سرما و در اوج گرماهای مرزهای جنوبی، چشم روی هم نمی‌گذارند و از مرز و بوم و ناموس این مملکت، در برابر دشمنان داخلی و خارجی پاسبانی می‌کنند. به سربازانی که جانشان را بر سر این هدف گذاشتند و آن را تقدیم ایران کردند و اکنون دیگر در میان ما نیستند، به مادران و همسرانی که سال‌ها چشم به راه فرزندانشان بودند و هنوز هم دیده به راه آن‌ها دارند تا شاید خبری، حتی از یک پلاک یا چند تکه استخوان آن‌ها به دستشان برسد تا از بلا تکلیفی دریابند و تقدیم می‌کنم به مردمی که با پشتیبانی و صبرشان با همه‌ی فقر و ناملایمات جنگیدند و در پشت جبهه، نشان دادند که چیزی از سربازان کم ندارند. و بالاخره تقدیم می‌کنم به شهدا و آزادگان و جانبازان و مفقودالائرهایی که هر یک عزیز یک خانواده بودند و در دل‌هایشان قلبی بود که عاشقانه برای معشوق خود می‌تپید.

محمود رضا محمدی نیا

۱۴۰۰/۳/۲۸